

سبک‌های ارتباطی اهل بیت علیهم‌السلام در تغییر نگرش مخاطبان

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۵ - تاریخ تأیید: ۹۷/۱۰/۲۰)

محمدصادق شجاعی^۱

جعفر جدیری^۲

محمدامین انواری نسب^۳

چکیده

نگرش و تغییر نگرش یکی از موضوعات مهم در حوزه روانشناسی است که ارتباط تنگاتنگی با رفتار افراد دارد. از آنجاکه اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان هادیان بشریت دارای بهترین روش‌ها در شیوه ارتباطی و تغییر نگرش افراد هستند؛ این پژوهش به سراغ سبک‌های ارتباطی ایشان رفته است. هدف بررسی سبک‌های ارتباطی اهل بیت علیهم‌السلام، در تغییر نگرش مخاطبان است و روش به‌کاررفته در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است؛ بدین منظور، ابتدا آموزه‌های مربوط به سبک‌های تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام از منابع اسلامی استخراج و با توجه به هدف پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد اهل بیت علیهم‌السلام در تغییر نگرش مخاطبان از پنج سبک انگیزش محور، اقناعی، تأکیدی، عینی سازی و واکنشی استفاده می‌کردند. معصومان علیهم‌السلام در سبک انگیزش محور از تقویت‌کننده‌های مثبت، تنبیه، الگو و طرح پرسش و در سبک عینی سازی از روش‌های بلاغی، داستانی و نمایشی، در سبک اقناعی از روش‌های استدلال، ایجاد جذابیت، در سبک تأکیدی از روش تکرار محتوا و هیئت تأکیدی در قالب‌های مختلف و در سبک واکنشی از واکنش آرام، ارعابی، خطاب‌ی و نظامی استفاده می‌کردند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های ارتباطی، مخاطب‌شناسی، اقناع مخاطب، سبک‌های تربیتی

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه، s-shojaei@yahoo.com.

۲. دکتری روانشناسی؛ jjafar138@gmail.com.

۳. کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی موسسه اخلاق و تربیت، نویسنده مسئول؛ Amin6066@yahoo.com.

نگرش هر فرد و تغییر این نگرش از موضوعات مهم در حوزه روانشناسی است. تعریف‌های مختلفی برای نگرش^۱ بیان شده است؛ از جمله تعریف‌های نگرش که شاید جامع‌تر از بقیه باشد، تعریفی است از لمبرت^۲ که می‌گوید: «نگرش عبارت است از یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع‌های اجتماعی یا قدری وسیع‌تر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد»^۳. تغییر نگرش اصطلاحی است که نگرشی جای خود را به نگرش دیگری بدهد. گفتنی است اگرچه قواعد تغییر نگرش نیز ماهیتاً همان قواعد شکل‌گیری نگرش است؛ اما از آنجا که نگرش‌های شکل گرفته، بیشتر اوقات به سختی تغییر می‌کنند و از طرفی چگونگی نابود شدن نگرش پیشین می‌تواند مسئله را پیچیده‌تر کند، برای رسیدن به درک بهتری از فرآیند تغییر و کنترل یا پیشگیری آن، این مبحث به طور جداگانه و مستقل طرح می‌شود.^۴

نگرش‌ها بر افکار اجتماعی تأثیر می‌گذارند و به عنوان طرح ذهنی عمل می‌کنند؛ به عبارت دیگر، نگرش‌ها چهارچوب‌های شناختی اطلاعات را در مورد مفاهیم، موقعیت‌ها و حوادث، سازمان‌دهی و نگهداری کرده، بر رفتار تأثیر می‌گذارند؛ پس از این رو اهمیت ویژه‌ای دارند؛^۵ همچنین نگرش‌ها مؤلفه اساسی فرد بودن هر انسان به شمار می‌روند و به دلیل نقش و اهمیت فراوانی که در حیات سیاسی، اجتماعی و شغلی انسان‌ها و رابطه تنگاتنگی که با رفتار دارند جایگاه ویژه‌ای در مطالعات روان‌شناختی و اجتماعی پیدا کرده‌اند؛^۶ به لحاظ اهمیتی که نوع نگرش در زندگی افراد دارد برخی صاحب‌نظران، موضوع اصلی روانشناسی اجتماعی را «نگرش» می‌دانند؛ بخشی از اهمیت نگرش به خاطر حیاتی بودن درک رفتار اجتماعی است و بخش دیگر، مبتنی بر این فرض است که نگرش‌ها تعیین‌کننده رفتار هر فرد است؛ این فرض به طور ضمنی بر این دلالت

1. Attitude.

2. Lambert.

۳. روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۳۶.

۴. روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، کاربردها و مفاهیم)، ص ۸۱.

۵. روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۴۸.

۶. نگرش و تغییر نگرش، ص ۱۶.

دارد که با تغییر نگرش افراد، می‌توان رفتارهای آنان را تغییر داد.^۱ در عصر حاضر نیز راه‌های مختلف ارتباطی از قبیل رسانه‌ها، فیلم‌ها، شبکه‌های مجازی و سخنرانی‌ها می‌کوشند با بهره‌گیری از اسلوب‌های مختلف روانشناسی، عواطف، احساسات و رفتار مخاطب را تحت تأثیر قرار دهند تا به این وسیله، اندیشه‌ها و افکار اشخاص را تغییر دهند؛^۲ زیرا نگرش‌ها هرگاه به باور عمومی تبدیل شوند، وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را تعیین خواهند کرد که آن نیز به نوبه خود بر زندگی فردی افراد درون جامعه تأثیر خواهد گذاشت؛^۳ از سوی دیگر با توجه به قابلیت ارتباطی عصر حاضر- که بیشتر از هر زمانی وسایل ارتباطی در اختیار افراد قرار گرفته است- نگرش‌ها و ارزش‌ها نیز بیشتر در معرض تغییر قرار گرفته‌اند؛ از این رو بهره‌مندی از این قابلیت ارتباطی در فضای موجود ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از راه‌های تغییر نگرش «نحوه ارتباط» است؛ برخی مانند راجرز^۴ و شومیکر^۵، یکی از آثار نحوه ارتباط را «شکل‌گیری عقاید» یا «تغییر آن‌ها» می‌دانند. در برقراری ارتباط آنچه مسلم است «سبک ارتباطی»^۶ است که در برقراری هر ارتباط بر طرفین تأثیر می‌گذارد.^۷ سبک، هر نحوه متمایز و قابل تشخیصی است که فعلی بدان نحوه انجام می‌گیرد، یا اثری تصنعی بدان نحو ساخته یا قرار است بدان نحو انجام شود یا ساخته شود. در این تعریف سبک به پدیده‌ای اشاره دارد که به طور برجسته‌ای قابل مشاهده یا قابل استنتاج از مشاهده است.^۸ اصطلاح ارتباط را نیز می‌توان فرایندی دانست که در جریان آن، فرستنده با گیرنده به وسیله نشانه‌های کلامی و غیرکلامی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به تبادل افکار، احساسات، باورها و نگرش‌ها می‌پردازد.^۹ بر این اساس سبک ارتباطی به مجموعه رفتارهایی برمی‌گردد که انسان در فرایند ارتباط بروز می‌دهد.^{۱۰}

۱. همان، ص ۵.

۲. قرآن و راه‌های مقابله با جنگ نرم.

۳. نگرش و تغییر نگرش، ص ۱۸.

4. Rogers.

5. shoemaker.

6. Communication style.

۷. بررسی رابطه سنخ‌های شخصیتی با سبک‌های ارتباطی معلمان، ص ۳.

۸. از سبک تا سبک زندگی.

۹. روانشناسی اجتماعی، ص ۴۹.

۱۰. نظریه‌های ارتباطات انسانی، ص ۷۱.

باتوجه به جایگاه سبک‌های ارتباطی در تغییر نگرش و عقاید افراد، این پژوهش به استخراج سبک‌های ارتباطی اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه تغییر نگرش مخاطبان پرداخته است. بررسی سبک‌های ارتباطی اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان هادیان بشریت، ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه آگاهی از رفتار معصوم و بررسی آن بهره نظری و عملی دارد؛ بهره نظری رفتارهای معصومان در کشف خوبی و بدی عمل بوده و بهره عملی رفتارهای معصومان نیز در اقتدا و تأسی به آن آشکار می‌شود. گرچه درباره سبک‌های ارتباطی به طور کلی پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است؛ اما در خصوص سبک‌های ارتباطی اهل بیت علیهم‌السلام در تغییر نگرش کمتر پژوهشی انجام شده است. در اینجا به برخی پژوهش‌هایی که بیشتر با نگاهی حاضر ارتباط دارد، اشاره می‌شود.

ارزانی ربانی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «سبک‌های ارتباطی اخلاقی رضوی در تعامل با پیروان ادیان با تکیه بر مناظرات امام رضا علیه‌السلام»، بر همزیستی مسالمت‌آمیز به عنوان الگوی ارتباطی رضوی و ایجاد فضایی آرام و مودت‌آمیز در گفتگو و جدال احسن تأکید کرده است. این مقاله تعریفی از سبک‌های ارتباطی ارائه نداده و بیشتر به گزاره‌های اخلاقی پرداخته است و نیز از منظر روان‌شناختی تحلیلی ارائه نداده است. همچنین متانت (۱۳۹۳) «اصول ارتباطات در سیره و سخن امام علی علیه‌السلام» را موضوع پایان‌نامه خود قرار داده و به اصول سخن در سیره ارتباطی آن حضرت پرداخته است. کریمی و فیاض (۱۳۸۹) «اصول مهارت‌های ارتباطی بر مبنای سنت معصومان» را مورد بررسی قرار داده‌اند که حاصل تحقیقشان دستیابی به سیزده اصل در حفظ و بهبود روابط میان فردی است. آثار انجام‌شده اولاً ناظر به سبک و قالب نبوده و رفتارهای اهل بیت علیهم‌السلام در فرایند ارتباطی را مورد مذاقه قرار نداده‌اند. ثانیاً این پژوهش‌ها نگاهی کلی به سیره ارتباطی اهل بیت داشته‌اند و بیشتر اصول اخلاقی در ارتباط را مورد نظر قرار داده‌اند.

نظر به اینکه تغییر نگرش امری روان‌شناختی است، نمی‌توان آن را تنها نتیجه استدلال‌های منطقی دانست و اموری چون نحوه القای مطلب، شناخت روحیات مخاطب و سخن گفتن متناسب با آن روحیات را نادیده گرفت؛ چراکه چنین اموری نقشی به سزا در اقناع و تغییر نگرش دارد؛ از آنجاکه سبک‌های ارتباطی در روانشناسی در جهت کسب منافع فردی و سودمحوری است، تفاوت بنیادینی با

سبک‌های ارتباطی اهل بیت علیهم‌السلام دارند؛ از این رو در این پژوهش، با مراجعه به متون دینی به این سؤال پاسخ گفته می‌شود که اهل بیت علیهم‌السلام از چه سبک‌های ارتباطی برای تغییر نگرش مخاطبان بهره برده‌اند؟

این پژوهش نظری از روش کیفی بهره برده و پژوهشگر با بهره‌گیری از منابع دینی به استخراج سبک‌های ارتباطی پرداخته است؛ این نگاه‌ها سبک‌های ارتباطی را از میان روش‌های تربیتی و شیوه‌های برخوردی اهل بیت علیهم‌السلام با افراد مختلف، به دست آورده است. بدین صورت که ابتدا شیوه‌های برخوردی اهل بیت علیهم‌السلام که بیش از پنجاه شیوه بوده، استخراج شده سپس سبک‌ها از میان وجوه مشترک این روش‌های فراوان به دست آمده است؛ برای نمونه روش‌های تمثیلی، تشبیهی، داستانی و نمایشی به دلیل داشتن وجه مشترک عینی‌گرایی زیرمجموعه سبک عینی‌سازی قرار گرفته‌اند.

باتوجه به آنچه در ضرورت بررسی سبک‌های ارتباطی اهل بیت علیهم‌السلام مطرح شد، ابتدای هر سبک به تعریفی اجمالی در مورد آن پرداخته و سپس آن سبک مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. سبک ارتباطی انگیزش محور

ریبر^۱ (۱۹۸۵) انگیزش را به عنوان فرآیند مداخله یا حالتی درونی در فرد تعریف کرد که او را به سوی عمل سوق می‌دهد. از نظر برخی مؤلفان، انگیزش مفهومی است که به شروع، کنترل و نگهداری فعالیت‌های جسمی و روانی اشاره دارد. ریو^۲ (۲۰۰۵) می‌گوید: بررسی انگیزش به فرآیندهایی مربوط می‌شود که به رفتار انرژی و جهت می‌دهند. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان انگیزش را به مثابه نیرویی که به رفتار، انرژی و جهت می‌دهد و رفتار را تداوم می‌بخشد تعریف کرد.^۳

در یک تقسیم‌بندی کلی، عوامل انگیزش را می‌توان به دودسته طبقه‌بندی کرد. عوامل درون فردی و عوامل محیطی. عوامل درون فردی شامل نیازها، هیجان‌ها و شناخت‌های فرد می‌شود.^۴ منظور از عوامل محیطی انگیزش، آن دسته از اموری هستند که برخاسته از نیازهای فیزیولوژی یا روانی انسان نیست، بلکه خارج از

1. Reber.

2. Riyo.

۳. انگیزش و هیجان: نظریه‌های روان‌شناختی و دینی، ص ۸.

۴. همان، ص ۱۰۵.

ارگانیزم انسان، مؤثر بر رفتار انگیزشی او است. این عوامل در چهار دسته کلی عبارت‌اند از: تقویت‌کننده‌های مثبت، تقویت‌کننده‌های منفی، الگوها و تنبیه که نقش بازدارندگی دارد و موجب کاهش یا حذف رفتار می‌شود.^۱ باید توجه داشت که در این پژوهش چون «سبک‌های ارتباطی» مورد بحث هستند، طبیعتاً عوامل محیطی مؤثر در انگیزش مورد نظر بوده و تمرکز بیش‌تر در این قسمت است؛ همچنین در روانشناسی تربیتی از طرح سؤال و ایجاد ابهام نیز برای انگیزش استفاده می‌شود؛ بنابراین مراد از سبک انگیزش محور در این پژوهش، ارتباطی است که در آن شناخت، عقاید و باورهای مخاطبان در قالب مشوق‌ها و بازدارنده‌ها برای تغییر نگرش، نیرو و جهت می‌گیرد. تقویت‌کننده‌های مثبت، تنبیه، الگو، طرح سؤال و ابهام از مشخصه‌های این سبک هستند که در این پژوهش به این مشخصه‌ها که مرتبط با موضوع بحث است، پرداخته می‌شود.

۱.۱. تقویت‌کننده‌های مثبت

تقویت‌کننده مثبت هرگونه محرک محیطی است که وقتی ارائه می‌شود احتمال وقوع رفتار مطلوب را در آینده افزایش می‌دهد.^۲ در متون دینی، ضمن توجه به نقش انگیزشی این محرک‌های خوشایند نسبت به رفتار، برای کنترل و هدایت رفتارهای ما که متأثر از این محرک‌هاست رهنمودهایی وجود دارد و همچنین مفاهیمی مانند تبشیر به معنای بشارت دادن به چیزهایی مطلوب که برای افراد خوشایند است و در رفتار انگیزشی آن‌ها نقش دارد، استفاده می‌کند.^۳

۲.۱. نقش انگیزشی تنبیه

تنبیه‌کننده، هرگونه محرک محیطی است که وقتی ارائه شود، احتمال وقوع رفتار نامطلوب را در آینده کاهش دهد؛ انتقاد، زندان و... از جمله تنبیه‌کننده‌ها هستند؛^۴ احکامی که در باب حدود، تعزیرات، دیات و قصاص آمده در واقع سازوکارهایی برای پیشگیری از برخی رفتارهای نامطلوبی است که از نظر اسلام

۱. نظریه انگیزش در اندیشه دینی.

۲. انگیزش و هیجان، ص ۱۴۳.

۳. نظریه انگیزش در اندیشه دینی.

۴. همان، ص ۱۴۵.

جرم محسوب می‌شود^۱ و طبیعتاً این احکام نگرش انسان را نسبت به قبح برخی افعال و شدت و حدت آن تحت تأثیر قرار می‌دهد. تنبیه از این جهت که نقش بازدارندگی دارد و موجب کاهش یا حذف رفتار می‌شود، در فرایند ارتباطی، دارای اهمیت است.

۳،۱. ارائه الگو

انسان‌ها در انجام هر کاری نیاز به سنجه‌ای دارند تا میزان کامیابی و ناکامی خویش را اندازه بگیرند، از ناکامی‌های گذشته پند گرفته و توان خود را برای ادامه کار بسیج نمایند؛^۲ که این سنجه می‌تواند الگوی مناسب باشد؛ منظور از الگو، سرمشق، معیار و نمونه‌ایده آل است. در قرآن و روایات هرکجا سخن از الگو به میان آمده، همین معنا مدنظر بوده است.^۳ در هر صورت الگوها به عنوان سرمشق از جمله عوامل محیطی هستند که می‌توانند نقش انگیزش برای رفتار داشته باشند.^۴

۴،۱. طرح سؤال

از طرح سؤال در روش‌های آموزشی به کرات استفاده می‌شود،^۵ طرح سؤال در ذهن مخاطب او را به ندانستن مسئله متوجه کرده و در نتیجه انگیزه او را برای یادگیری افزایش می‌دهد. ضمن اینکه طرح پرسش موجب تقویت قوه تفکر نیز می‌شود.^۶ در اینجا به چند نمونه از مستندات این سبک پرداخته و برای هر یک از مشخصه‌های آن مثالی بیان می‌گردد.

مثال برای تقویت‌کننده‌های مثبت در سیره معصومان علیهم‌السلام: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جهت توجه و حضور قلب افراد در نماز جایزه‌ای تعیین کردند تا مردم به اهمیت حضور قلب آگاه شوند و تشویقی شود تا فقط به ظاهر نماز نپردازند.^۷ مثال برای نقش انگیزشی تنبیه: امام علی علیه‌السلام در پاسخ به درخواست برادرش

۱. نظریه انگیزش در اندیشه دینی.

۲. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۹۳.

۳. احزاب: ۲۱.

۴. نظریه انگیزش در اندیشه دینی.

۵. نگاهی به سیره آموزشی رسول خدا.

۶. سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۳۳۹.

۷. همان، ص ۱۹۴.

عقیل آهن گداخته در آتش را به او نزدیک کرد و فرمود: «تو از حرارت ناچیز می‌نالی و من از آتش الهی ننالم؟» و درجایی دیگر زمانی که سپاهیان امام عَلَيْهِ السَّلَام از جهاد با سربازان معاویه سرباز زدند و از شرکت در جنگ امتناع ورزیدند، حضرت با نفرین و تشبیه‌های تحقیرآمیز به تنبیه آنان پرداخته، فرمودند: پس روهای شما زشت و دل‌هایتان غمین گردد هنگامی که در آماج تیر آن‌ها قرار گرفته‌اید، دشمن به سوی شما تیر می‌اندازد و شما از روی بی‌حمیتی و تفرقه و اختلافی که دارید سینه خود را هدف قرار داده خاموش نشست‌اید، مال شما را به یغما می‌برند و شما غارت نمی‌کنید و با شما جنگ می‌کنند و شما جنگ نمی‌کنید و خداوند را معصیت می‌کنند و شما راضی هستید، ای نامردهایی که آثار مردانگی در شما نیست و ای کسانی که عقل شما مانند عقل بچه‌ها و زن‌های تازه به حجله رفته است، ای کاش من شما را نمی‌دیدم و نمی‌شناختم که سوگند به خدا نتیجه شناختن شما پشیمانی و غم و اندوه است.^۱

در سیره ارتباطی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام یکی از مواردی که بیشترین عناصر انگیزش در تغییر نگرش افراد را در خود جای داده، خطبه فدکیه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام است، چراکه هم عوامل محیطی مؤثر بر انگیزش را در بردارد و هم از تحریک عواطف و احساسات برای بیدار کردن وجدان و اصلاح بینش و تقویت شناخت مخاطبان استفاده شده است. در بخشی از خطبه فدکیه آمده است:

پس از آنکه حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام برای اثبات و احقاق حق خود تصمیم به خطابه گرفتند با جماعتی از بانوان مدینه به مسجد رفته و پس از حضور، نشسته و آهی سوزناک کشیدند که اهل مسجد به گریه و ناله افتادند و مجلس یکپارچه اندوه و عزا شد، سپس حضرت اندکی صبر کردند تا مجلس آرام گشت، سپس شروع به سخن کردند؛^۲ در اینجا حضرت به خوبی از احساسات و عواطف مردم جهت توجه و اهمیت موضوع و دلیل حضور خود در مسجد استفاده کردند تا قلوب آمادگی سخنان ایشان را داشته باشد. پس از حمد و ثنای الهی، حضرت با معرفی الگو از نقش انگیزشی آن به خوبی استفاده کرده و به معرفی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌پرداختند. حضرت از نقش انگیزشی تقویت‌کننده‌های مثبت نیز به خوبی تمام استفاده کردند، فرمودند: «انتم عباد الله نصب امره و نهیه و حمله

۱. ترجمه و شرح نهج البلاغة (فیض الإسلام)، ج ۱، ص ۹۸.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۷.

دینه و وحیه و امناء الله علی انفسکم و بلغاوه الی الامم» و با این جملات مقام و رسالت مهم مخاطبان را در امر الهی گوشزد کردند و این شیوه انگیزشی را به دفعات بکار بردند. آنجا که فرمودند:

قاتلتم العرب و تحملتم الكد والتعب و ناطحتم الامم و کافحتم البهم لا نبرح
او تبرحون نامرکم فتاتمرون؛ شما با اعراب جاهلی به جنگ پرداختید و در این
راه هر سختی و مشقت را به جان خریدید و با طوایف مختلف مبارزه کردید و
با دلیرانشان به جدال پرداختید، پیوسته گوش به فرمان ما اهل بیت بودید.^۱
امام علیه السلام با این جملات، نقاط مثبت مخاطبان را به عنوان تقویت کننده مطرح
کردند.

حضرت از نقش انگیزشی تنبیه نیز در جهت رشد بینش و بیدار کردن وجدان
مخاطبان در دفعات متعدد استفاده کردند. در قسمت دیگری از خطبه فدکیه حضرت
می فرماید: «فهیات منکم و کیف بکم و ائی توفکون؛ این اعمال از شما به دور است و
جای عجب است چگونه دروغ می گویند؟»
حضرت در اینجا از انتقاد که یکی از موارد انگیزشی تنبیه است مکرراً استفاده
کردند.

همچنین ایشان از طرح پرسش نیز برای ایجاد انگیزه برای مخاطبان به خوبی
بهره بردند و در دفعات مکرر به طرح پرسش پرداختند؛ مانند این فراز که فرمودند: آیا
پس از اعلان حقیقت آن را پنهان می دارید؛ و پس از پیشروی عقب نشینی می کنید؟
و پس از ایمان به شرک افتادید؟^۲ بدین ترتیب خطبه فدکیه مملو از سبک های
انگیزشی در تغییر نگرش مخاطبان است؛ چنانکه بعد از سخنان حضرت زهرا علیها السلام که
پراز مصادیق سبک انگیزشی بود، ابوبکر گفت: «صدق الله و صدق رسوله و صدقت
ابنته» و حضرت را تائید و حقانیت او را مورد تائید قرار داد.

چنانکه ذکر شد پرسش، نقش آموزشی مهمی را داراست که سایر معصومان علیهم السلام
نیز از آن به دفعات استفاده کرده اند. به عنوان نمونه امام باقر علیه السلام به کسانی که در
محضر او بودند فرمودند: آیا شما را آگاه نسازم به کاری که هرگاه انجام دهید، سلطان
و شیطان از شما دور شوند؟ ابوحمزه گفت چرا بفرمایید تا بدان عمل کنیم. امام
فرمودند: صدقه بدهید و روز خود را با صدقه آغاز کنید که صدقه روی شیطان را سیاه

۱. الاحتجاج، ترجمه بهرادر جعفری، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۳۷.

می‌کند و شرسلطان ظالم را در آن روز دور می‌سازد.^۱

۲. سبک ارتباطی عینی سازی

یکی دیگر از سبک‌های ارتباطی به‌کاررفته در تغییر نگرش مخاطبان سبک عینی‌سازی است؛ در این سبک، فرایند ارتباطی در قالب تصویرسازی و ملموس کردن به طرق مختلف در جهت تغییر نگرش صورت می‌گیرد. تشخیص، تخیل، تجسیم و تبدیل معقول به محسوس از مشخصه‌های این سبک هستند. در این سبک، هنر نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند؛ هنر با احساسات انسان ارتباط دارد و اثر هنری، تجسمی از احساسات انسان است، خلاقیت هنری، موجب دگردیسی احساسات نیز می‌شود؛ به عقیده ویگوتسکی^۲، اهمیت این دگردیسی در فراتر رفتن از احساسات فردی و سرایت آن‌ها در سطح اجتماعی است. یکی از مصادیق عینی‌سازی، تصویر آفرینی است. جرج جرداق، یکی از ویژگی‌های ممتاز سخنان حضرت علی علیه السلام را نقاشی از طریق کلمات و خلق تصاویر و تابلوهای زنده و بی‌بدیل دانسته، می‌گوید:

هرگونه مفهوم عقلی خشک، آن هنگام که بر ذهن علی بن ابی‌طالب خطور می‌کند از جمود و خشکی بیرون می‌آید و پروبال‌هایی رنگین بر پیکره آن می‌روید و به هر سو پرواز می‌کند و شکل جمود خود را از دست داده و به حرکت و حیات می‌گراید و آن‌چنان به رنگ‌های زیبا زیور یافته که حقیقت را به روشنی نشان می‌دهد و جویای واقعیت را به مقصدش می‌رساند.^۳

در خطبه ۲۳۳ نهج‌البلاغه حضرت این ویژگی ممتاز خاندان عصمت و طهارت را به شیوه‌ای بدیع و زنده به نمایش می‌گذارد و می‌فرماید:

ما (خاندان رسالت) امیران سخن هستیم (سخن در فرمان ما است) و ریشه‌های آن در ما فرورفته و شاخه‌هایش بر ما گسترده شده (هر مطلبی را می‌توانیم در موقع مقتضی با منتهی درجه فصاحت و بلاغت و جامعیت

۱. تحف العقول، ص ۳۰۸.

۲. Vygotsky.

۳. جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در روایات اهل بیت علیهم السلام، ص ۸.

بیان کنیم).^۱

اصول تصویر آفرینی در روایات اهل بیت علیهم السلام بر پایه تجسیم، تشخیص و تخییل استوار است. تجسیم در اصطلاح به معنای صورت جسمانی دادن به امور معنوی و غیرمادی است؛ به عبارت دیگر، امور مجرد را به صورت مادی، محسوس و ملموس شناساندن و لباس مادی بر اندام آن‌ها پوشاندن است.^۲ تشخیص، یعنی به موجودات بی جان، زندگی و شخصیت بخشیدن یا امور مجرد را در لباس محسوس حیوانی و انسانی جلوه داده یا انفعالات، احساسات، صفات و برداشت‌های انسانی را به موجودات دیگر نسبت دادن.^۳ تخییل، تصویر حقیقت است به گونه‌ای که گمان برده شود آن چیز دارای صورتی قابل مشاهده بوده و از اموری است که به دیدار درمی‌آید.^۴

تصویر آفرینی در سیره اهل بیت علیهم السلام با انواع روش‌های بلاغی، نمایشی و داستانی صورت می‌گرفت. در اینجا برخی روش‌های بلاغی و همچنین روش نمایشی و روش داستانی ارائه می‌شود.

۱.۲. روش بلاغی

معصومان علیهم السلام برای به تصویر درآوردن مفاهیم و مجسم نمودن معانی، گاه از صنایع ادبی و ارائه‌های کلامی بهره‌جسته و از این راه تابلوهایی بدیع و زنده خلق می‌کردند؛ تشبیه و تمثیل و استعاره نمونه‌هایی از فنون بلاغی در روایات اهل بیت علیهم السلام هستند.^۵ به عنوان نمونه علی علیه السلام می‌فرماید:

درخواست‌کننده (از خدا) بی طاعت و بندگی مانند تیراندازی است که کمان او بی زه باشد (که تیر او به هدف نرسد، پس کسی که خدا را بخواند و عمل نداشته باشد درخواست او روا نگردد، زیرا هر که عمل ندارد و واجبات را بجا نیاورد فاسق است و خدا دعای فاسق را نمی‌پذیرد).^۶

یکی دیگر از راهبردهایی که موجب کمال و تأثیر سخن می‌شود، استفاده از تمثیل

۱. ترجمه و شرح نهج البلاغة (فیض الإسلام)، ج ۴، ص ۷۳۰.

۲. جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در روایات ائمه اطهار علیهم السلام، ص ۱۲.

۳. جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در نهج البلاغة، ص ۳۷.

۴. همان.

۵. نگاهی به سیره آموزشی رسول خدا.

۶. ترجمه و شرح نهج البلاغة (فیض الإسلام)، ج ۶، ص ۱۲۴۵.

است. معمولاً در تمثیل سعی می‌شود با تکیه بر مشهودات، مطنونات و مقبولات مخاطب را با شیوه‌ای جذاب و دلپذیر به سوی غایت مطلوب سوق داد. گاه تأثیر یک تمثیل ساده و کوتاه در نفوس، بیش از براهین و استدلال‌های منطقی است.^۱ اهل بیت علیهم‌السلام در سخنان خود گاه از تمثیلات بسیار بدیع و پرمغزی بهره جسته‌اند که با شنیدن هر یک از آن‌ها انسان بی‌اختیار تصویری زنده را پیش روی خود مجسم می‌بیند که ضمن برانگیختن موجی از احساس، بذرفکر و اندیشه را نیز در وجود آدمی بارور می‌سازند.^۲ برای نمونه علی علیه‌السلام ضمن تشبیهی درباره انس خود به مرگ می‌فرماید:

سوگند به خدا انس پسر ابوطالب به مرگ بیشتر است از انس طفل به پستان مادرش (خاموشی من در امر خلافت نه از ترس کشته شدن است).^۳

از دیگر روش‌های بلاغی می‌توان به استعاره اشاره کرد. در اصطلاح علم بیان استعاره به کار رفتن لفظی در غیر معنای اصلی خود به دلیل وجود علاقه و مشابهت میان معنای اصلی و مجازی است. تأثیر استعاره در ذهن شنونده و خواننده بیش‌تر از تشبیه است؛ از جهتی در استعاره چنین به نظر می‌رسد که میان مشبه و مشبه‌به فرقی نیست و این دو عین یکدیگر شده‌اند و از جهت دیگر ذهن برای یافتن مفهوم استعاره به کوشش بیش‌تری نیاز دارد و پس از یافتن آن به لذت بیش‌تری می‌رسد.^۴ در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام استعاره‌های زیادی به چشم می‌خورد که در تقریب معنا به ذهن مخاطبان در نگرش صحیح کمک می‌کند. به‌عنوان نمونه در خطبه ۱۱۹ نهج‌البلاغه امام علی علیه‌السلام در استعاره‌ای زیبا، خلافت را به سنگ آسیاب تشبیه کرده، می‌فرماید:

من قطب و میخ آسیا هستم که آسیا به اطراف من دور می‌زند (انتظام امور و آسایش مردم و آراستگی لشکر در کارزار بودن من در اینجا است) و من در جای خود هستم، پس اگر جدا شوم مدار آسیا به‌هم‌خورده سنگ زیرین آن مضطرب گردد (اگر نباشم رشته امور گسیخته می‌شود).^۵

۱. نگاهی به سیره رسول خدا.

۲. جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام، ص ۵۷.

۳. ترجمه و شرح نهج‌البلاغه (فیض الإسلام)، ج ۱، ص ۵۸.

۴. جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام، ص ۶۱.

۵. ترجمه و شرح نهج‌البلاغه (فیض الإسلام)، ج ۲، ص ۳۷۰.

آسیاب چیزی است که حرکات سنگ را تنظیم کرده و موجب گردش سنگ آسیاب می‌شود و امام نیز مطابق حکمت الهی، نظم‌دهنده به امور مسلمین و آگاه به سیاست شرعی است. این کلام امام علیه السلام متضمن سه نوع تشبیه معقول به معقول، تشبیه محسوس به معقول و محسوس به محسوس است و از آنجایی که نیاز آسیا به استوانه ضروری است و جز با سنگ آسیا نمی‌گردد، حضرت امیر از تشبیه منزلت خود به موقعیت استوانه آسیا این مفهوم را روشن می‌سازد که غیر از ایشان کسی نمی‌تواند در امر امامت و همچنین خلافت رسول اکرم صلی الله علیه و آله شایستگی داشته باشد چنان‌که غیر استوانه نمی‌تواند منزلت و شایستگی به گردش درآوردن آن را داشته باشد؛^۱ در این نمونه حضرت به خوبی نگرش مخاطبان را نسبت به امر جانشینی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اصلاح کرده و انحصار این امر را در مورد خویش تبیین کرده‌اند.

۲،۲. روش نمایشی

یک گوینده بلیغ برای تفهیم سخن و برای آنکه کلامش در ذهن شنوندگان تأثیر عمیق‌تری بگذارد، گاه کلام را با انواع اشارات، حرکات و افعال خاص همراه می‌سازد تا توجه مخاطب را به خود جلب کند و از این طریق راه را برای فهم حقیقتی بر شنونده بگشاید. اشارات و حرکات در حین القای کلام، تأثیر به‌سزایی در وضوح معنا دارد تا آنجاکه در برخی مواقع حتی می‌توان از آن مستقلاً برای انتقال یک پیام استفاده نمود و به‌عنوان زبانی گویا برای آموزش مفاهیم بهره‌جست و این همان علمی است که امروزه از آن با عنوان «علم اشارات» یاد می‌شود یا احياناً تعبیر «زبان اندام» را برای آن به کار می‌برند. نگاهی به روایات اهل بیت علیهم السلام حکایت از آن دارد که از این شیوه مؤثر، برای ترسیم و مجسم‌نمودن حقایق دینی و معرفتی بهره‌های فراوانی برده و با خلاقیتی خاص موضوعات گوناگون را به روشی زنده و گویا به مخاطبان خود القا نموده‌اند؛ استفاده از انگشتان، دست و اشیاء و نمونه‌های این روش هستند.^۲

برای مثال رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای نشان دادن پیوند و اتصال میان دو چیز و جدایی‌ناپذیر بودن آن‌ها، از انگشتان خویش استفاده می‌کرد و دو انگشت میانی و

۱. جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در روایات ائمه اطهار علیهم السلام، ص ۱۷۶.

۲. همان، ص ۸۵.

سبابه خود یا دو انگشت سبابه دستان خویش را ضمیمه می‌ساخت و به حاضران نشان می‌داد؛ ایشان با اشاره به دو انگشت سبابه و میانی خود، فرمود: «آن‌که مرا و اهل بیتم را دوست بدارد، ما و او چنین باشیم»^۱.

اهل بیت علیهم‌السلام در تغییر نگرش مخاطبان از اشیاء نیز به خوبی بهره برده‌اند. برای نمونه روزی ابوشاکر دیصانی زندیق بر امام صادق علیه‌السلام وارد شد و خواست او را به خدایش راهنمایی کند، حضرت تخم مرغی را می‌شکافت و طلاووسی رنگارنگ بیرون می‌آید، سپس حضرت می‌پرسد: آیا تو برای این مدبری درمی‌یابی؟! دیصانی مدتی سر به زیر افکند و سپس شهادتین گفته و توبه نمود.^۲

۳.۲. روش داستانی

سومین روش تصویر آفرینی در روایات روش داستانی است. داستان شیوه‌ای هنری و جذاب است که در قالب آن تجربیات و زندگی پرفرازونشیب آدمی در روی زمین به تصویر درآمده و به روشی غیرمستقیم درسی زنده می‌آموزاند. مخاطب در فضای داستان احساس می‌کند مانند یکی از اعضای داستان، ماجراها و صحنه‌ها را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد و این امر باعث می‌شود تا پیام داستان ناخودآگاه در روان او القا شود و اثر تربیتی عمیق خود را در وی جا گذارد.^۳ به خاطر این نقش تأثیرگذار داستان است که معصومان علیهم‌السلام از این ابزار مؤثر برای انتقال پیام توحیدی خود بهره جسته‌اند.^۴ داستان‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از نوع داستان‌هایی است که از حشو و زوائد و خیال‌پردازی‌های بی‌ثمر در آن اثری نیست و هریک از حکایت‌ها هدفی جز هدایت و اصلاح نفوس بشر در آن‌ها تعقیب نمی‌شود. برای مثال در یکی از این داستان‌های مصور، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: مردی از بیابان می‌گذشت که تشنگی فراوان بر او غلبه پیدا کرده بود؛ او به چاه آبی رسید، به درون آن رفت و سیراب شد و بیرون آمد. در همین حال سگی را دید که از شدت عطش له‌له می‌زد. با خود گفت همان‌گونه که من تشنه بودم این حیوان هم تشنه است. به درون چاه رفت و کفش خود را پر از آب کرد و حیوان را سیراب کرد؛ او از خدا به خاطر چنین کاری شکرگزاری کرد و خداوند هم او را مورد مغفرت قرار داد. صحابه پرسیدند ای رسول خدا آیا سیراب کردن حیوانات هم

۱. نگاهی به سیره آموزشی رسول خدا، ص ۱۲۱.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۹۲.

۳. جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در نهج البلاغه.

۴. جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام، ص ۷۵.

ثواب دارد. حضرت فرمودند: برای سیراب کردن هر جگر تشنه‌ای ثواب است.^۱

۳. سبک ارتباطی اقناعی

اقناع فرایندی است که در راستای تغییر نگرش مخاطب انجام می‌گیرد و اندیشه‌ی او را در جهت اهداف مورد نظر به تکاپو می‌اندازد. اقناع فرآیندی طبیعی، مستدل، عقلانی از یکسو، عاطفی و قلبی از سوی دیگر است. اقناع مستلزم بروز تغییر در ذهن آدمی، پذیرش اختیاری، اندیشمندانه و درونی‌سازی پیام است.^۲

سومین سبک ارتباطی سبک اقناعی است؛ که مراد پژوهشگر از آن تغییر نگرش در قالب استدلال و انتقال پیام در فرآیند ارتباطی است. مقبولیت و اعتبار و استدلال عقلانی از مشخصه‌های بارز این سبک است. کارل هاوَلند با طرح نظریه اقناع و تغییر نگرش روانشناسی تجربی را به حوزه روانشناسی اجتماعی وارد کرد. وی نظریات مربوط به اعتبار منبع، پیام یک‌سویه در برابر دوسویه، استفاده از جاذبه ترس و آثار آنی در مقابل آثار آتی را مورد بررسی قرار داد؛ و در مجموعه‌ای از آزمایش‌های اقناعی خود، تأثیر اقناع را بر درجه تغییر نگرش افراد مورد بررسی مطالعه کرد.^۳

دیدگاه استبدادی و متعصبانه به انسان، ارتباطی منفعت طلبانه و اقناعی در جهت تحمیق و مسخ انسان را دنبال می‌کند؛ حال آنکه توجه به مصالح انسانی و داشتن دغدغه رشد و تعالی بشر، این ارتباط را به ابزاری برای هدایت فرد به سوی مصالح انسانی مبدل می‌سازد.^۴ اهل بیت علیهم‌السلام همواره درصدد افزایش بینش و آگاهی بخشی به مردم و رشد و تعالی آن‌ها در راستای اهداف الهی بوده و رضای خداوند شرط اصلی در افعال و ارتباطات ایشان بوده است. با بررسی سیره ایشان می‌توان فهمید که اقناع‌های آنان در جهت تغییر نگرش مخاطبان و باهدف رشد و تعالی بشر بوده است. برای نمونه آنچه در مناظرات امام رضا علیه‌السلام اهمیت بسزایی دارد موضع برتر امام رضا علیه‌السلام و پیروزی در همه گفتگوها است که سرانجام تسلیم همه طرف‌های مناظره و در مواردی تشریف به دین مبین اسلام را در پی داشته است.^۵ اقناع توسط

۱. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۷۷.

۲. اقناع غایت ارتباطات، ص ۹۶.

۳. اقناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم، ص ۱۱۹.

۴. همان.

۵. درآمدی بر مناظرات امام رضا علیه‌السلام.

اهل بیت علیهم السلام، در قالب مقبولیت، جذابیت و اعتبار، تخصص و علم و استدلال بوده است.

۱.۳. اقسام و مقبولیت منبع پیام

مهم‌ترین ویژگی پیام رسا که می‌تواند در تغییر نگرش بسیار مؤثر واقع شود مقبول بودن است. هر اندازه منبع پیام قابل قبول‌تر باشد، احتمال تغییر نگرش بیش‌تر است.

برای نمونه امام رضا علیه السلام علاوه بر مقبولیت در میان عموم مردم و جایگاه رفیع ایشان، نزد علماء و بزرگان ادیان مختلف نیز دارای مقبولیت خاصی بودند؛ چنانکه علمای ادیان و متکلمان مثل جاثلیق (عالم بزرگ نصاری)، رأس‌الجالوت (عالم بزرگ یهود)، رؤسای صابئین (منکرین دین و شریعت خدا و پیامبر)، هرید (بزرگ زردشتی‌ها)، عالم رومیان و علمای علم کلام، حاضر شدند عقاید و گفتار امام رضا را بشنوند.^۱ چنین مقبولیتی، در میان سایر معصومان نیز مشاهده می‌شود؛ همچنین کلام ایشان که می‌فرمایند: ای مردم بپرسید از من قبل از اینکه از میان شما بروم که من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آگاه‌ترم.^۲ می‌تواند بهترین شاهد برای این مسئله باشد.

۲.۳. جذابیت و اعتبار منبع

در بررسی عامل اعتبار منبع که عامل مهمی در برقراری یک ارتباط مناسب است، حضرت رضا علیه السلام در مناظره‌ها، یا برای مناظره‌کننده شناخته شده بودند یا در طول مناظره با استناد و استدلال‌های دقیق، منطقی و علمی خویش این اعتبار را کسب می‌کردند. در بررسی مناظره امام رضا علیه السلام با جاثلیق از علمای نصرانی، حضرت با استناد به متون و اصول مورد وثوق آنان و اقرارگرفتن در جمع، ضمن آشکارشدن این امر، تمامی مراحل اعتبار منبع را محقق می‌گرداند.^۳ از مواردی که جزء عوامل مقبولیت پیام‌رسان است، جذابیت است که امام رضا علیه السلام - به تبع امام علی علیه السلام - دارای جذابیت در کلام و فصاحت و شیوایی و دارای بالاترین درجه

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۲۱.

۲. «ایها الناس سلونی قبل ان تفقدونی فانا بطرق السماء اعلم منی بطرق الارض».

۳. اقسام و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم، ص ۱۲۰.

فصاحت و بلاغت بودند^۱ و نیز از حیث اعتماد و صداقت کلام، شهره عام و خاص بودند که خود در مقبولیت پیام بسیار تأثیرگذار است؛ افزون بر آن احتجاج امام رضا علیه السلام با اهل تورات با توراتشان، با اهل انجیل با انجیلشان، با اهل زبور با زبورشان و همچنین با صابئین به عبری، با زردشتیان به فارسی با رومیان به رومی و با هر فرقه به زبان خودشان، باعث جذابیت وافر شده و اعتبار ایشان را نیز بیشتر می‌کرد.

۳،۳. تخصص و علم امام

امام علیه السلام در موارد متعددی از طرف مقابل در صحنه مناظره می‌خواست تا هر سؤالی دارند، مطرح کنند و سپس تمام پرسش‌ها را به شایستگی و روشنی پاسخ می‌دادند. احاطه امام بر آیات و اخبار و استدلال به آن و بهره‌گیری بجا و مناسب، جای هیچ عذر و بهانه‌ای را باقی نمی‌گذارد. امام در مناظره با پیروان ادیان و مکاتب دیگر همچون یهود و مسیحیت از شواهد و بیانات موجود در کتب آسمانی آنان بهره می‌گرفت تا مورد توجه و باور آنان قرار گیرد.^۲

۴،۳. استدلال

گذشت که اقناع فرآیندی مستدل و عقلانی است و از آنجاکه استدلال عقلی مورد قبول همگان است، امام رضا علیه السلام در مواجهه و مناظره با زنادقه و ملحدانی که به هیچ کتاب یا خدایی معتقد نبودند از روش عقلی و استدلالی بهره می‌جستند؛ همین‌طور با اهل کتاب به وسیله استدلال عقلی و براساس مشترکات دینی به رفع اشکالات و به اثبات حقانیت اسلام می‌پرداختند.^۳

امام صادق علیه السلام نیز با استدلال‌های عقلانی در جهت آگاهی‌افزایی و تغییر نگرش افراد اقدام می‌کردند؛ به عنوان نمونه، هشام بن حکم نقل می‌کند: روزی ابن ابی العوجاء بر امام صادق علیه السلام وارد شد، امام از او پرسید: ای ابن ابی العوجاء، آیا تو مخلوقی یا غیرمخلوق؟ گفت: مخلوق نیستم. فرمود: اگر مخلوق و مصنوع بودی چگونه بدین شکل درآمدی بودی؟ با شنیدن این سخن وی مجاب شد.^۴

۱. درآمدی بر مناظرات امام رضا علیه السلام.

۲. همان.

۳. «روش‌شناسی مناظرات امام رضا علیه السلام»، ص ۴۳.

۴. الاحتجاج، ترجمه بهرادجعفری، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲.

ملاحظه می‌شود امام علیه السلام با رجوع دادن ابی العوجاء به حکم بدیهی عقل در تفاوت بین مخلوق و غیرمخلوق بودن و اینکه نیازمندی‌های ما دلیل بر مخلوق بودن ماست او را متوجه اشتباهش ساخت. علامه مجلسی در بیان این حدیث می‌آورد:

وقتی تصدیق به وجود صانع از امور ضروری است، امام علیه السلام با این سخن او را خبردار نمود که عقل و اندیشه به صورت بدیهی حکم به تفاوت بین مصنوع و غیر آن می‌کند و درحالی‌که تمام صفات مصنوع و مخلوق در تو آشکار و هویدا است پس چگونه ادعا می‌کنی که مصنوع و مخلوق نیستی؟^۱

۴. سبک ارتباطی تأکیدی

در این سبک، فرایند ارتباطی با استفاده از اصل تأکید به صورت‌های مختلف، جهت درونی‌سازی شناخت، عقاید و باورها صورت می‌گیرد. تکرار محتوا و هیئت تأکیدی از مشخصه‌های بارز این سبک هستند. دانشمندان در علوم یادگیری کشف کردند؛ تکرار موجب درونی‌سازی پیام یا مواد آموختنی دیگر می‌شود. اهل بیت علیهم السلام نیز در ارتباط‌های خویش در مناسبت‌های مختلف با به‌کارگیری اصل تکرار در تثبیت و تفهیم معارف و درونی‌کردن عقاید و تغییر نگرش مخاطب به‌طور منحصربه‌فردی عمل می‌کردند و از این باب که انسان نیاز به یادآوری و تکرار دارد و آدمی ذاتاً اهل نسیان است، نسبت به این امر مهم اهتمام داشتند؛ چنانکه خداوند متعال به اشکال مختلف و در مواقع مختلف تذکر و تکرار را در آیات، جهت بینش‌افزایی و ایجادشناخت و جلوگیری از نسیان بکار می‌برد. چه بسا به تبع نسیان و تکرار نکردن، مطلبی یا عقیده‌ای سست شده و عقیده باطل جای آن را بگیرد.

تأکید در روایات اهل بیت علیهم السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه در بسیاری از خطاب‌ها و مکالمه‌ها و نامه‌ها استفاده از این سبک دیده می‌شود که گاه به صورت تکرار محتوای مورد نظر و گاه از حیث هیئت، مطلب مورد تأکید قرار می‌گرفته است.

۱،۴. تأکید با تکرار محتوای مدنظر

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روزی خطاب به اصحاب خویش فرمودند: زمانی بیاید که چون کسی در دین خود ثبات و پایداری ورزد او را پاداشی برابر پنجاه نفر از شما باشد؛ اصحاب با شگفتی پرسیدند: یا رسول الله پاداش پنجاه نفر از ما؟ حضرت با سه بار تکرار تأکید کردند: آری پاداشی معادل پنجاه نفر از شما.^۱

همچنین کسی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: «کدام عمل افضل است؟» فرمود: «یاد خداوند و آن را سه مرتبه تکرار کرد».^۲

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام جهت افزایش بینش مخاطبان نسبت به مقام علمی خود بارها فرمودند: «سلونی قبل ان تفقدونی»^۳ و این مطلب را در مواقع مختلف تکرار کردند.

۲،۴. تأکید از حیث هیئت

در این نوع تأکید اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام برای بااهمیت جلوه دادن مطلب موردنظر نزد مخاطبان از ادات تهدید و سوگند و دعا به صورت مکرر استفاده می کردند؛ و هیئت کلام، تأکید و اهمیت مطلب را می رساند. در ادامه برخی از این موارد نقل می شود.

۱،۲،۴. تکرار ادات تهدید

در برخی موارد اهل بیت برای شدت قبح عملی و پرهیز دادن مخاطب از انجام آن عمل یا اعتقاد پیدا کردن به یک عقیده باطل، ادات تهدید را تکرار می کردند تا قبح فعل و شدت آن برای مخاطبان معلوم شود. به عنوان نمونه در مورد دروغ حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: وای بر کسی که سخن های دروغ می گوید تا مردم را بخندند وای بر او، وای بر او، وای بر او.^۴

۲،۲،۴. نفرین مؤکد

اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در زمینه شناخت افراد، اتخاذ رفیق و یا دوری و پرهیز از برخی اشخاص که رفاقت با آنها دین و عقاید انسان را دستخوش تغییر قرار می دهد،

۱. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۴۷.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۳. کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۷۱۲.

۴. الامالی، شیخ طوسی، ص ۵۳۷.

گاه از نفرین مکرر استفاده می‌کردند؛ رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «ملعون ملعون من عبد الدينار و الدرهم»^۱.

امام علی عَلِيٌّ بر منبر کوفه فرمودند: از من بپرسید زیرا در جوانب و اطراف من علم بسیار است. در این هنگام ابن کواء- که از خوارج بود- برخاسته و شروع به سؤال‌های متعدد کرد. امام عَلِيٌّ در پاسخ به پرسش‌های ابن کواء مکرراً می‌فرمودند: «ثکلتک امک یا بن کواء» و سپس جواب او را می‌دادند.^۲ امام با این بیان پرده از ماهیت ملعون و چهره پلید او نزد مردم برمی‌داشت تا مردم نسبت به او شناخت و آگاهی پیدا کنند؛ چراکه وی نه تنها منحرف بود بلکه دیگران را نیز به انحراف و گمراهی می‌کشاند.

۳،۲،۴. سوگند دادن‌های مکرر

امام علی عَلِيٌّ در احتجاج برابر بوبکر در جهت اثبات حقانیت خود در امر خلافت بلافصل رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیش از سی بار او را قسم دادند و فرمودند: «انشدک بالله» و از او اقرار و اعتراف گرفتند و ابوبکر بیش از سی بار اقرار و اعتراف، کلام حضرت را تصدیق نمود و در جواب هر سوگند گفت: «بل لک» و «بل انت» و «لاهل بیتک»؛ این جملات تأیید و تصدیق حضرت بود؛ و تکرار سوگندها طبیعتاً در جهت اتمام حجت، اصلاح نگرش و تغییر رفتار ابوبکر بود؛^۳ چراکه تکرار مطالب سبب درونی‌سازی پیام شده و باعث افزایش اثرات شناختی آن مانند توجه و آگاهی و درک عمیق در مخاطب می‌گردد.

همچنین در احتجاج امیرمومنان عَلِيٌّ بر اعضای شورا حضرت حدود ۹۱ بار فرمودند: «نشدتکم بالله» و با مستندات متعدد و طرح سؤال از آن‌ها اعتراف گرفتند.^۴

۴،۲،۴. تکرار دعای مبهم

روزی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جمع اصحاب به خداوند سه بار عرضه داشتند: خدایا به جانشینان من رحم کن. حاضران پرسیدند: جانشینان شما چه کسانی هستند؟

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۷۰ ح ۹۶.

۲. الاحتجاج.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۶۵.

۴. الاحتجاج.

فرمودند: آنان که پس از من حدیث و سنت مرا برای مردم بازگو کنند.^۱ این شیوه تکرار که تأکید و ابرام بر نکته مورد نظر است، در تعلیمات و بیانات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به فراوانی قابل مشاهده است و مخاطب را به اهمیت و ضرورت مطلب حساس کرده، کنجکاوی او را برای دریافت و فهم آن برمی‌انگیزد.^۲ از آنجاکه تکرار و تأکید باعث درونی شدن و تثبیت مطالب و مواد آموزشی می‌شود و نیز امر به یادآوری و تکرار اهمیت بالایی در آموزه‌های دینی دارد می‌توان دریافت که تکرار و تأکید در تغییر نگرش افراد از مطالب منحرفه و یا ایجاد نگرش نسبت به مطالب توحیدی تأثیر بسزایی دارد.

خداوند متعال خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «فذكر ان الذکری تنفع المؤمنین»^۳ و یا در سوره الرحمن آیه «فبای آلاء ربکما تکذبان»^۴ بار تکرار شده است که هدف آن تثبیت عقاید نسبت به حتمیت و قطعیت مطلب و غفلت‌زدایی است که غفلت و یادآوری نکردن، می‌تواند پایه‌های اعتقادی اشخاص را سست و زمینه تغییر نگرش از ارزش‌ها را ایجاد کند.

۵. سبک ارتباطی واکنشی

این سبک عکس‌العملی است در جهت تغییر نگرش به خاطر اعمال و رفتار یا عقاید ناصواب مخاطبان که در قالب‌های متعدد و بسته به شرایط مختلف، صورت می‌گیرد و بیشتر در مقابله با مخالفان و دشمنان است. اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به القائات افراد معاند ساکت نبودند و گام‌به‌گام در شرایط مناسب، واکنش مناسب از خود نشان می‌دادند که این واکنش به صورت‌های آرام، اربعابی، خطابی و واکنش نظامی صورت می‌گرفت.

۱.۵. واکنش آرام

در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اقدامات ضربتی و تهاجمی در مقابل اعمال مشرکان و منحرفان نخستین گام نبود؛ بلکه ایشان تا حد امکان به مناظره، تحمل آزارها، پیشگیری از درگیری و مانند آن می‌پرداختند و در صورت کارآمد نبودن این رفتار به

۱. معانی الأخبار، ص ۳۷۵.

۲. نگاهی به سیره آموزشی رسول اکرم، ص ۲۰۸.

۳. ذاریات: ۵۵.

ایجاد محدودیت‌هایی برای آنان دست می‌زدند و سختگیری و نبرد را آخرین گام خود قرار می‌دادند؛ در ادامه به برخی از انواع واکنش آرام اشاره می‌شود.

۱،۱،۵. تحدی

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مقابل منکران آسمانی بودن قرآن کریم و نزول بر حضرتش به دفعات مکرر آن‌ها را به تحدی یا مبارزه طلبی دعوت می‌کردند؛ این تحدی، واکنشی در مقابل منکران برای تغییر نگرش آن‌ها محسوب می‌شد تا ضمن مغلوب شدن پی به حقانیت و آسمانی بودن این کتاب ببرند.

۲،۱،۵. خشی کردن تبلیغات انحرافی

هر نکته‌ای مشرکان مطرح می‌کردند، اگر به انحراف جامعه می‌انجامید، باید بدون فوت وقت، حقیقت آشکار می‌شد تا باطل جای خود را به حق دهد و هر تحریفی که در چهره حق رخ می‌داد، باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن تحریف زدایی می‌شد و زیباترین تفسیر در بیان آن به گوش مردم می‌رسید تا حق آمیخته به باطل باقی نماند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عهده‌دار این مسئولیت خطیر بود؛^۱ در غیر این صورت نگرش‌های مثبت به اسلام نیز دستخوش تغییر قرار گرفته و زحمات پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بی‌ثمر می‌ماند.

۳،۱،۵. مدارا

سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نشان می‌دهد ایشان اهل رفق و مدارا بودند و علی‌رغم قاطعیتی که داشتند تا حد امکان با مخالفان به مدارا می‌پرداختند. برای نمونه در جریان مسمومیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سوی یکی از دختران اشراف یهود، حضرت پس از دستگیری وی، او را بخشیدند.

همچنین در جریان مباحله پس از آنکه مسیحیان نجران با عظمت خاندان رسول مواجه شدند، پشیمان شده و درخواست پیمان نامه کردند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را پذیرفتند.

در موارد مذکور باینکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌توانستند واکنشی خشن و یا سخت از خود نشان دهند، ولی به مدارا پرداخته و زمینه تغییر نگرش نسبت

۱. سیره پیامبر در برابر مخالفان از زبان قرآن، ص ۱۰۲.

به دین اسلام و شخص حضرت رسول ﷺ را برای یهودیان و مسیحیان فراهم کردند.

۲،۵. واکنش اعرابی

پیامبر اکرم ﷺ در راستای تبیین حقایق و جلوگیری از انحراف مخاطبان از انذار به خویشان نزدیک گرفته تا هشدار به اهل مکه و اطراف آن و تا به صدا درآوردن زنگ خطر برای تمام جهانیان ذره‌ای فروگذار نکرد؛ چراکه غفلتی که بر جامعه گمراه و مشرک جاهلیت سایه افکنده بود، بازتاب غروب انذار در آن جامعه بود؛^۱ طبیعتاً عکس‌العمل نشان‌ندادن نسبت به انحرافات و مفسدات جامعه برخلاف رسالت الهی است؛ در ادامه به انواع واکنش‌های اعرابی اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته می‌شود.

۱،۲،۵. هشدار به عذاب‌های دنیوی

رسول اکرم ﷺ در دفعات مکرر در مواقع مناسب عذاب‌هایی که بر قوم‌های عاد و ثمود وارد شده بود را در قالب آیات قرآن^۲ تلاوت می‌کردند تا مخاطبان را از عذاب دنیوی بر حذر دارند. تهدید مشرکان مکه به صاعقه‌ای همانند صاعقه عاد و ثمود نشان می‌دهد که روزگار عذاب استیصال و ریشه‌کن‌کننده به پایان نرسیده و خداوند سنت پایدار خویش را تغییر نداده است.^۳

۲،۲،۵. هشدار به عذاب‌های اخروی

رسول اکرم ﷺ گرچه ابلاغ‌کننده تمام آیات قرآن به مردم است ولی با فرمان‌های ویژه، مأمور تشریح ویژگی‌های عذاب آخرت شده است. توصیف عذاب مکذبان و مشرکان در آخرت به بندها، آتش برافروخته، خوراکی گلوگیر،

۱. سیره پیامبر در برابر مخالفان از زبان قرآن.

۲. «و اما عاد فاهلکوا بریح صرصر عاتیه»، حاقه: ۶؛ «فارسلنا علیهم ریحا صرصر فی ایام نحسات»، فصلت: ۱۶.

۳. سیره پیامبر در برابر مخالفان از زبان قرآن، ص ۱۱۱.

عذابی دردناک^۱، بستری بس ناخوشایند^۲، عذابی رسواگر و همیشگی^۳، آتشی که زبانه می‌کشد^۴ هریک پیامی است که پیامبر به ابلاغ آن فرمان ویژه یافته است. رسول خدا ﷺ با بیان اوصاف قیامت برای مشرکان آنان را متوجه خطری می‌کرد که پس از مرگ با آن روبرو می‌شدند.^۵

۳،۵. واکنش خطابي با لعن و تحقير

در این قسم، واکنش به دو صورت رخ می‌دهد، گاهی با تحقیر و گاهی با لعن؛ در اینجا به هریک به طور جداگانه پرداخته می‌شود.

۱،۳،۵. واکنش خطابي با تحقير

اهل بیت عليهم السلام در مواقعی که اشخاصی با قصد توهین و ایجاد بدبینی در مردم نسبت به مقام عصمت و ولایت، کلامی می‌گفتند یا موضعی می‌گرفتند و یا با قصد انحراف در عقاید دینی شبهه‌ای مطرح می‌کردند، با تحقیر فرد و به رخ کشیدن ضعف وی، از ایجاد نگرش منفی نسبت به مقام امامت و ولایت و القاء شبهه در اعتقادات دینی جلوگیری می‌کردند که به مواردی در این زمینه اشاره می‌شود.

هنگامی که اشعث بن قیس میان کلام امیرمؤمنان عليه السلام برخاسته و نسبت به جمله حضرت درباره اولی بودنشان نسبت به مردم اعتراض کرد؛ حضرت در جهت تحقیر اشعث و نمایاندن باطن پلید او در جمع مردم در برابر هر سؤال او واژه «یابن الخماره» را بکار بردند و در انتهای سخنانشان فرمودند: «ای مردم بدانید که اشعث در پیشگاه پروردگار متعال به اندازه پر مگسی ارزش نداشته و در دین خدا پست‌تر از آب بینی گوسفند است».^۶

همچنین امام در برابر هریک از سؤالات ابن کواء ابتدا جملاتی از قبیل مادرت مرگ و فنایت را ببیند و یا وای بر تو را می‌فرمودند،^۷ تا به حضار باطن این شخص

۱. «و طعاما ذاغصه و عذابا الیما»، مزمل: ۱۳.

۲. «و تحشرون الی جهنم و بس المهاد»، آل عمران: ۱۲.

۳. «من یاتیه عذاب یخزیه و یحل علیه عذاب مقیم»، زمر: ۴۰.

۴. «فانذرتکم نارا تلظی»، لیل: ۱۴.

۵. سیره پیامبر در برابر مخالفان از زبان قرآن، ص ۱۱۷.

۶. الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۱۶.

۷. همان، ص ۵۸۲.

را معرفی کرده و از شبهات احتمالی در اذهان جلوگیری کنند؛ و این جملات را در مواقع مختلف تکرار می‌کردند.

۲،۳،۵. واکنش خطابی با لعن

اهل بیت علیهم‌السلام همچنین در موارد القاء شبهه و ایجاد بدبینی نسبت به مقام عصمت و ولایت، با لعن فرد مورد نظر، خبث باطن و انحراف وی را بیان می‌کردند تا حقیقت و باطن فرد بر همگان روشن شده و از بروز نگرش منفی جلوگیری می‌کنند. به عنوان نمونه در مجلسی مروان به امام حسن مجتبی علیه‌السلام گفت: ای حسن تو بودی که مردان قریش را سب و دشنام گفتی؟ امام فرمودند: چه قصد داری؟ مروان گفت: به خدا قسم تو و پدر و تمام اهل بیتت را آن چنان سب و دشنام گویم که تمام غلامان و کنیزان قریش به غنا و سرود افتند. امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمودند: من، تو و پدرت را سب نمی‌گویم؛ بلکه خود خدا تو و پدرت را و همه اهل بیت و نسل و ذریه و اولادی که از صلب پدرت تا روز قیامت متولد شوند را بر زبان رسولش محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشمول لعن خود ساخته است. به خدا ای مروان نه تو و نه هیچ‌کدام از این حضار منکر این نیست که این لعنت از جانب رسول خدا ویژه تو بوده و هست و افسوس که نتیجه عکس داد و نه تنها موجب خوف تو نشد بر طغیان تو نیز افزود و خدا و رسول راست گفتند. خداوند در قرآن فرموده: «والشجره الملعونه فی القرآن و نخوفهم فما یزیدهم الا طغیانا کبیرا». ای مروان تو و نسل تو به فرموده پیامبر همان شجره ملعونه در قرآن هستید. پس از آن حضرت برخاست و پس از تکاندن جامه خارج شد؛ سپس یک یک جماعت با غیظ و حزن و رخساری سیاه پراکنده شدند.^۱

۴،۵. واکنش نظامی

بررسی آیاتی که راهکارهای نشر اسلام را بیان کند و پیامبر در رفتار خود با مشرکان آن شیوه‌ها را به کار گرفت، نشان می‌دهد که نبرد با مشرکان، زمانی در برنامه‌های رسول خدا قرار گرفت که آنان تمام راه‌های مسالمت‌آمیز را به روی مسلمانان بستند. اگر بت پرستان و پیروان مذاهب فاسد، در برابر دعوت توحیدی آن حضرت به خشونت دست نمی‌زدند، پاسخ خشن دریافت نمی‌کردند. سال‌های نخست

۱. همان، ص ۴۳.

بعثت، چیزی جز دعوت، ارشاد، نصیحت و هشدار، از آن حضرت و پیروانش بروز نکرد.^۱ جنگ‌های احد، خیبر، ذات السلاسل و فتح مکه نمونه‌ای از این جنگ‌ها بود؛^۲ نکته مهم آنکه عدم واکنش نظامی مناسب از سوی پیامبر ﷺ مسلمانان را در موضع ضعف قرار می‌داد و زمینه را برای تغییر ارزش‌ها و اعمال نظرات مشرکان و مخالفان و نفوذ آنان قرار می‌داد. با دقت در مستندات تاریخی روشن می‌شود که این نوع واکنش در مقابل دشمن باعث می‌شد تا آن‌ها پی به اقتدار اسلام و صلابت آیین توحید برده و از طرفی افراد پس از تسلیم شدن هنگامی که با عطوفت و رأفت پیامبر اکرم ﷺ در قبال اسیران مواجه می‌شدند به دین مبین اسلام گرویده، مسلمان شدند. در جریان فتح مکه گروه‌گروه به دین اسلام مشرف شدند؛ خداوند در قرآن کریم در سوره نصر آیه دو، این مسئله را یادآور می‌شود. از طرفی دیگر اقتدار، زیرکی و واکنش به‌هنگام اهل بیت علیهم‌السلام در جنگ‌ها از تجری دشمنان نسبت به مسلمانان جلوگیری می‌کرد؛ در حقیقت اهل بیت علیهم‌السلام در اقدامات واکنشی، نخست، در جهت اصلاح نگرش‌ها و سپس در صورت مقاومت دشمنان در جهت ریشه‌کن کردن آن‌ها بود و اگر با دشمنان مقابله نمی‌کردند، آن‌ها در راستای تحریف عقاید مسلمانان قدم برمی‌داشتند.

از این رو، شاید حساس‌ترین و مهم‌ترین تغییر نگرش‌ها در جنگ‌ها رخ می‌داد؛ برتری شیوه‌ی جنگیدن و اصول آن‌که توسط رسول خدا ﷺ و در نتیجه از سرمنشأ وحی تعیین می‌شد، بر شیوه‌های جنگ و آنچه درک عرب جاهلی از جنگ بود، مانند برتری قرآن بر شعر عرب، بر روح و جان کفار تأثیر می‌گذاشت. جنگ به ابزاری نه برای کشتن که به فرموده امیرمؤمنان علیه‌السلام برای زنده کردن تبدیل شده بود.

به‌عنوان نمونه امان دادن پیامبر ﷺ در فتح مکه به ابوسفیان و کسانی که به او پناه برده باشند، هیچ شباهتی به شیوه‌های جاهلی جنگ و پیروزی نداشت، پیروزی به هر قیمتی ارزشی برای معصومان علیهم‌السلام نداشت؛ وقتی کافری در جنگ از امیرالمؤمنین علیه‌السلام شمشیرش را طلب می‌کرد و کرم و بخشش را در ایشان بر حفظ جان مقدم می‌دید، چاره‌ای جز تسلیم به مرام و آیین او نداشت.^۳

۱. سیره پیامبر در برابر مخالفان از زبان قرآن، ص ۱۶۱.

۲. عوامل پیروزی و شکست.

۳. در یکی از غزوات، روزی در میدان جنگ شخصی از دشمنان اسلام به طرف حضرت دست دراز کرد و اظهار نمود: تقاضا دارم شمشیر خود را به من عطا فرمایید. حضرت فوراً شمشیر را به

نتیجه‌گیری

نگرش یعنی هرگونه تغییر در زمینه‌های مختلف اخلاقی، اعتقادی، علمی و مانند آن؛ حتی اگر تغییر نگرش در مقام عمل به تغییر رفتار هم نینجامد، باز هم تغییر نگرش محسوب می‌شود. تغییر رفتار مستلزم مقدمات فراوانی است که تغییر نگرش تنها یکی از آن‌هاست. از این رو، تغییر نگرش به تنهایی به تغییر رفتار نمی‌انجامد. بنابراین در بررسی احادیث و وقایع، به ارتباط عملی و کلامی صورت گرفته بین دو طرف پرداخته می‌شود و تغییر رفتار مخاطب، مورد نظر این پژوهش نبوده است. در الگوهای استفاده شده در تحقیقات مربوط به ادبیات تغییر نگرش، محوریت تغییر نگرش، سبک‌های ارتباطی نیست؛ چراکه در روانشناسی هدف اصلی از ارتباط، تغییر نگرش مخاطب نیست؛ اما در این تحقیق به سبک‌های ارتباطی به منظور بررسی تغییر نگرش پرداخته شده و تغییر نگرش محور توجه و تقسیم‌بندی روایات بوده است.

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش ناظر به سبک‌های ارتباطی اهل بیت علیهم‌السلام در تغییر نگرش مخاطبان است و اینکه اهل بیت در تغییر نگرش مخاطبان از چه سبک‌هایی استفاده می‌کردند؟ پنج سبک انگیزش محور، عینی سازی، اقناعی، واکنشی و تأکیدی سبک‌های ارتباطی است که از روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام کشف شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بسیاری از روش‌های تربیتی و شیوه‌های ارتباط با دیگران زیرمجموعه یکی از این پنج سبک هستند؛ تشویق و تنبیه و ارائه الگو و طرح پرسش زیرمجموعه سبک ارتباطی انگیزش محور است؛ روش بلاغی، نمایشی و داستانی زیرمجموعه سبک ارتباطی عینی سازی است؛ اقناع و مقبولیت منبع پیام، جذابیت و اعتبار منبع، تخصص و علم امام و استدلال زیرمجموعه سبک ارتباطی اقناعی است؛ در سبک ارتباطی تأکیدی، تأکید با تکرار محتوای مورد نظر و تأکید از حیث هیئت با زیر مجموعه‌های ادات تهدید، نفرین موکد، سوگندهای مکرر و تکرار دعای مبهم قابل ذکر است؛ در سبک ارتباطی واکنشی، واکنش آرام، ارعابی، خطابي با لعن و تحقیر و نظامی زیرمجموعه هستند.

دست او دادند؛ آن شخص گفت: در میدان جنگ کسی شمشیر را به دست غیر نمی‌دهد. حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «إِنَّكَ مَدَدَتْ يَدَ الْمُسْتَلَّةِ إِلَى وَ لَيْسَ مِنَ الْكِرَامِ أَنْ يَرُدَّ السَّائِلَ» بدرستی که تو دست حاجت به طرف من دراز کردی و شخص کریم نمی‌تواند سائل را از خود محروم سازد. آن مرد کافر چون این رفتار نیکو را از آن حضرت ملاحظه نمود، اسلام اختیار کرد؛ (مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۲، ۸۷).

۱. قرآن کریم.
۲. الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، ترجمه احمد غفاری مازندرانی. تهران: ناشر مرتضوی، ۱۳۷۱ ش.
۳. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ترجمه بهرادجعفری. تهران: اسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۴. ارتباطات متقاعد گرانه و تبلیغ، محمدعلی حکیم آرا. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴ ش.
۵. «اصول ارتباطات در سیره و سخن امام علی (علیه السلام)»، مهدی متانت، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ارتباطات: دانشگاه قرآن و حدیث قم، ۱۳۹۳.
۶. اصول الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۹ ش.
۷. «اقتناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم: مروری بر مناظرات مکتوب حضرت رضا (علیه السلام)»، امیر عبدالرضا سپنجی و نفیسه مؤمن دوست. سال هجدهم، شماره دوم، ص ۱۱۷-۱۴۴، ۱۳۹۰ ش.
۸. «اقتناع، غایت ارتباطات». باقر ساروخانی. علوم اجتماعی، شماره ۲۳، ص ۹۳-۱۱۵، ۱۳۸۳ ش.
۹. الامالی، محمد بن حسن طوسی. قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. انگیزش و هیجان: نظریه های روان شناختی و دینی، محمدصادق شجاعی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.
۱۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمدباقر مجلسی. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. «بررسی رابطه سنخ های شخصیتی با سبک های ارتباطی معلمان مقطع متوسطه شهرستان تالش»، سارا حسین پور میل آغاروان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی: دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۹۰ ش.
۱۳. «بررسی راهبردهای اقتناعی در خطاب های نهج البلاغه و مقایسه آن با علم روانشناسی»، سیده فاطمه موسوی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم و حدیث: دانشگاه علوم و حدیث قم، ۱۳۹۰ ش.

۱۴. ترجمه و شرح نهج البلاغه فیض الاسلام، محمد بن حسین شریف الرضی. تهران، پنجم، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. «جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در نهج البلاغه»، مریم حاجی قاضی استرآبادی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث گرایش نهج البلاغه: قم دانشکده علوم و حدیث، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. جنگ نرم، حسین عبدی. تهران: انتشارات معارف، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، یوسف کریمی. تهران: نشر ارسباران، ۱۳۸۹ ش.
۱۸. روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، آذربایجانی و همکاران. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. روان‌شناسی اجتماعی، یوسف کریمی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. روان‌شناسی در قرآن، محمد کاویانی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.
۲۱. روان‌شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، محمد کاویانی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.
۲۲. «روش‌شناسی مناظرات امام رضا علیه‌السلام»، درآمدی بر مناظرات امام رضا علیه‌السلام، حسن امینی فر. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، اول، ۱۳۹۱ ش.
۲۳. «سبک ارتباطی اخلاقی و معنوی در تعامل با پیروان ادیان با تکیه بر مناظرات امام رضا علیه‌السلام». حبیب رضا ارزانی و حوریه ربانی اصفهانی. اخلاق، سال دوم، شماره ۶، ص ۳۹-۶۶، ۱۳۹۱ ش.
۲۴. سیره پیامبر در برابر مخالفان از زبان قرآن، علی محمد یزدی. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ، ۱۳۹۳ ش.
۲۵. ظرافت‌های رفتار در روابط انسانی، حسین عبداللهی، انتشارات سایه سخن، تهران، ۱۳۱۳ ش.
۲۶. قرآن و راه‌های مقابله با جنگ نرم، عیسی عیسی زاده. قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۲ ش.
۲۷. کتاب سلیم بن قیس الهمللی، سلیم بن قیس الهمللی، محقق محمد انصاری زنجانی خوئینی. قم: نشر الهادی، ۱۴۰۵ ق.

۲۸. کرامات العلویه، علی میر خلف زاده. قم: نشر مهدی یار، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. الگوهای غیر کلامی و نمادین در تعلیم و تربیت نامرئی، عبدالعظیم کریمی. تهران: انتشارات تربیت، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محمدباقر مجلسی، مصحح سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۳۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمدتقی نوری، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ش.
۳۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، محمد بن علی، ابن شهر آشوب مازندرانی. قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳۳. مهارت‌های ارتباطی، کول کریس، ترجمه محمدرضا آل یاسین. تهران: انتشارات هامون؛ ۱۳۸۷ ش.
۳۴. «نظریه انگیزش در اندیشه دینی»، ابوالقاسم بشیری. مجله روان‌شناسی و دین، دوره هفتم، شماره دوم، ۱۳۹۳ ش.
۳۵. نظریه‌سازی در علوم اجتماعی، شومیکر، باملاجی، ترجمه محمد عبداللهی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، نشر اثر اصلی، ۲۰۰۴ م. ۱۳۸۷ ش.
۳۶. نظریه‌های ارتباطات انسانی، علی‌اکبر فرهنگی، حسین صفرزاده و مهدی خادمی. تهران: انتشارات رسا، ۱۳۸۳ ش.
۳۷. نگاهی به سیره آموزشی رسول خدا، احمد کریمیان. قم: انتشارات موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰ ش.
۳۸. نگرش و تغییر نگرش، بوهنر، میکائیل جودو ونک، ترجمه: منیژه صادقی. تهران: انتشارات ساوالان، ۱۳۸۲ ش.
۳۹. نگرش و تغییر نگرش، یوسف کریمی. تهران: نشر ویرایش، ۱۳۷۹ ش.